

درس نهم

دین پژوه گرامی در این درس با این مطالب آشنا خواهید شد

- فرقه شیخیه
- شیخیه و اهل بیت (علیهم السلام)
- شیخیه و مهدویت
- تشابه دیدگاه شیخ احمد احسائی و علمای اسلامی
- امتداد فرقه شیخیه
- انشعابات فرقه شیخیه
- فرقه بابیت
- جشن نسخ اسلام
- بابیت و ترور
- بابیت و ارتباطات خارجی

موسس فرقه شیخیه شخصی به نام شیخ احمد احسایی است که در قرن سیزدهم هجری می زیسته است البته سندی در دست نیست که وی فرقه ای تأسیس کرده باشد و شیخیه نام نهاده باشد بلکه ایشان شخصیت عالم و فرهیخته ای بود که به شهرهای بصره، کربلا، قطیف، بحرین، کرمان، تبریز و شهرهای مختلف ایران و عراق و عربستان سفر نموده بود و تحصیلات علمی در حوزه های علمیه احساء، کربلا و نجف داشت و از بعضی از علما مثل شیخ جعفر کاشف الغطاء، سید مهدی بحرالعلوم و آقا سید علی طباطبایی صاحب کتاب ریاض (کتاب فقهی) اجازه روایی داشت و به بعضی از علما که شاگردانش بودند مثل صاحب جواهر (شیخ حسن نجفی) اجازه روایی داده بود و در علوم دیگر غیر از فقه و اصول مثل طب قدیم، عرفان و فلسفه نیز مسلط بود اما انتقاداتی نسبت به فلسفه و عرفان داشت و شخصیت ذوفنون و جامع الاطرافی بود و از نبوغ خاصی برخوردار بود و لذا آثار فراوانی دارد، مهمترین کتاب ایشان کتاب شرح زیارت جامعه در چهار مجلد است، مباحث اسلامی ایشان با بقیه علما تفاوتی ندارد فقط در مورد اهل بیت (علیهم السلام) مطالبی دارد که باعث شد تا او را غالی معرفی کنند یعنی ایشان در مورد اهل بیت (علیهم السلام) غلو می کند و تا حد خدایی برای ایشان جایگاه قائل است لذا این مسأله باعث شد تا بعضی از علما ایشان را تکفیر کنند.

شیخیه و اهل بیت (علیهم السلام)

شیخ احمد معتقد است که امامان معصوم (علیهم السلام) علل اربعه کائنات هستند، در فلسفه معتقد هستند که برای بوجود آمدن عالم ماده چهار علت لازم است علت فاعلی، علت غایی، علت صوری و علت مادی؛ و اهل بیت (علیهم السلام) علت پیدایش این عالم طبیعت به عنوان واسطه فیض الهی هستند و خداوند به اهل بیت (علیهم السلام) علیت، توانایی و فاعلیت داده است که بتوانند عالم ماده را خلق کنند و این عالم طبیعت را اهل بیت خلق کرده اند، یعنی اهل بیت (علیهم السلام) به اذن الله دارای صفت خالقیت، رازقیت، و مشیت هستند مثل حضرت عیسی مسیح که مرده را زنده می کرد اهل بیت (علیهم السلام) هم خالقیت، رازقیت و مشیت دارند اما به این شکل نیست که خداوند قدرت را به ایشان تفویض کند و کنار برود و با عالم کاری نداشته باشد یعنی شیخ احمد نظریه تفویض را قبول نداشت بلکه معتقد بود اهل بیت (علیهم السلام) به اذن الله، قدرت بر هر کاری دارند بنابراین روایات اهل بیت (علیهم السلام) در مورد تفویض را کاملاً پذیرفته بود مثلاً از امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: اگر کسی گمان کند خداوند (عزوجل) کار آفرینش و رزق را به حجت های خود تفویض کرده است و خدا کاری ندارد این فرد تفویضی و مشرک است. شیخ احمد می گفت من این موضوع را قبول ندارم که خدا امور را به اهل بیت (علیهم السلام) واگذار کرده است و به هیچ چیز کاری ندارد، بلکه ایشان به اذن الله و به قدرت الله واسطه فیض خدا هستند.

شیخیه و مهدویت

دیدگاه دیگر شیخ احمد احسایی در مورد حضرت ولیعصر (عج) است یا در مورد معراج پیامبر است که هر دو مسئله با یک دیدگاه بیان شده است شیخ احمد معتقد بود که معراج پیامبر و معاد

جسمانی و حیات امام زمان (عج) با بدنی حور قلیایی صورت می گیرد در واقع شیخ احمد معتقد بود انسان بدنی عنصری (یعنی بدن مادی) دارد و غیر از این بدن دارای بدنی حور قلیایی است، بدنی شبیه آنچه در خواب می بینیم و آن را بدن مثالی می نامند.

شیخ احمد معتقد بود معراج پیامبر که با بدن انجام گرفت با این بدن مادی نبود چون این بدن مادی تحمل ندارد و ناتوان است و متلاشی خواهد شد لذا معتقد بود پیامبر با بدن حور قلیایی به معراج رفته است، یا در مورد معاد جسمانی معتقد است وقتی انسان می میرد و بعد دارای معاد جسمانی است جسمش حور قلیایی خواهد بود و این جسم عنصری از بین خواهد رفت و در خاک خواهد پوسید.

یا شیخ احمد در مورد امام زمان (عج) معتقد بود که ایشان در دوران غیبت (کبری) در عالم حور قلیا به سر می برد و در این عالم خاکی نیست چون از نظر طب قدیم امکان ندارد بدنی بتواند ۱۰۰۰ سال عمر کند و شیخ احمد بر طب قدیم مسلط بود (طب جدید این مسأله را محال نمی داند) لذا معتقد بود چون امام زمان (عج) نمی تواند با این جسم بماند پس حتماً در دوران غیبت در عالم حور قلیا به سر می برد. عالم حور قلیایی عالمی است که جسم در آن به صورت مثالی است و لطیف تر از این جسم عالم مادی است و دچار آسیب های عالم ماده از جمله مریضی و پیری نخواهد بود.

این نظریات با دیدگاههای رایج زمان هماهنگ نبود و الان هم علمای شیعه این مطالب را نمی پذیرند و باعث ایجاد درگیری هایی شد حتی پسر صاحب ریاض که شاگرد شیخ احمد بود وی را تکفیر کرد و لذا نسبت به ایشان روی گردانی اتفاق افتاد و ایشان در ذی الحجه سال ۱۲۴۲ قمری با غربت از دنیا رفت و وی را در بقیع دفن کردند.

بعد از شیخ احمد شاگردش سید کاظم رشتی راه ایشان را ادامه داد، شیخ احمد فرقه ای به نام شیخیه تأسیس نکرد بلکه ایشان عالم، پژوهشگر و اندیشمندی بود که در بعضی از موضوعات آراء و نظریاتی داشت اگر چه این نظریات مورد پذیرش نیست مثلاً حضور امام زمان (عج) در عالم حور قلیا پذیرفته نیست حضرت در همین عالم است و در همین کره خاکی زندگی می کند و ممکن است کسی بتواند ایشان را ببیند و حتی بشناسد و به قدرت الهی عمر طولانی دارد و از نظر علم امروز هم محالی پیش نمی آید اما از نظر علم قدیم مسأله حل ناشدنی بود و شیخ احمد را دچار مشکل کرد.

تشابه دیدگاه شیخ احمد احسائی و علمای اسلامی

دیدگاهی که شیخ احمد در مورد ائمه (علیهم السلام) دارد شبیه دیدگاه بعضی از علمای دیگر است مثلاً شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی که صاحب کتاب اصولی به نام نهاییه الدرایه در شرح کفایه است و استاد علامه طباطبایی نیز بوده است. مرحوم کمپانی نیز دیدگاهش در مورد اهل بیت (علیهم السلام) همین است و معتقد است در زیارت جامعه، اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان علت پیدایش عالم معرفی شده اند و زیارت جامعه نیز از نظر سند مورد تأیید بسیاری از علما است؛ مثلاً مرحوم مجلسی می فرماید: "انَّهَا أَصْحَابُ الزِّيَارَاتِ سَنَدًا وَأَعْمَهَا مُورِدًا وَأَفْصَحُهَا لَفْظًا وَأَبْلَغُهَا مَعْنًا وَ أَعْلَىٰ هَا شَأْنًا"، زیارت جامعه به لحاظ سند، صحیح ترین زیارات است و از نظر لفظ و معنی و...

هم عالی ترین است، در زیارت جامعه وارد شده است: "بِكُمْ يَتَحَلَّى وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ" شما هستید که به وسیله شما خداوند گشایش انجام می دهد و ختم امور به وسیله شما انجام می شود و باران به وسیله شما نازل می شود و شما به اذن الله واسطه فیض هستید. حتی در روایتی از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در نامه ای به معاویه آمده است: "نَحْنُ صَنَائِعُ رَبَّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدَ صَنَائِعُنَا" یعنی ما مصنوع پروردگار هستیم و مردم مصنوع ما هستند، شیخ احمد با مشاهده این احادیث به آن نتایج رسیده بود و مستنداتش دارد، اگر کسی این روایات را به صورتی که بیان شد نقل کند حرف شیخ احمد را زده است که ائمه علل اربعه عالم هستند و به اذن الله علت فاعلی عالم هستند اما برخی دیگر این احادیث را به نحوی دیگر نیز معنی کرده اند مثلاً: "الْخَلْقُ صَنَائِعُنَا" خلق مخلوق ما هستند، را به صنع تشریحی معنا کرده اند یعنی ما خلق را به لحاظ هدایت و تشریح، می سازیم یعنی ما صانع تشریحی مردم هستیم و صانع تکوینی مردم مستقیماً خود خدا است. یا مثلاً در جمله "بِكُمْ يَتَحَلَّى وَ بِكُمْ يَخْتِمُ" ب را "ب" غایت می دانند و "ب" فاعلیت نمی دانند یعنی خداوند کل عالم را برای اهل بیت (علیهم السلام) ساخته است غایت عالم ایشان هستند یعنی غایت عالم، انسان کامل است و کل این عالم را خدا خلق کرد تا یک انسان کامل بوجود آید و انسان کامل خالق این عالم نیست، این دو تفسیر از زیارت جامعه است و افرادی مثل آیت الله صافی گلپایگانی قائل به تفسیر دوم هستند و کسانی مثل مرحوم محقق اصفهانی قائل به تفسیر اول هستند و در هیچ یک از این دو تفسیر از نظر اعتقادی مشکلی بوجود نخواهد آمد یعنی اینگونه نیست که اگر کسی به تفسیر اول معتقد بود مفوضه یا غالی باشد بلکه دو دیدگاه در بین علمای شیعه است یک عده می گویند: اهل بیت (علیهم السلام) به اذن الله خالق عالم هستند و منظور خالقیت نور اهل بیت (علیهم السلام) در عالم زر است و اگر نه اهل بیت (علیهم السلام) هزاران سال بعد از خلقت عالم به دنیا آمده اند، منظور روح ایشان است که قبل از خلقت عالم خلق شده اند، همانگونه که خداوند این عالم را به وسیله ملائک خلق می کند (مثلاً ملائکه در نزول باران نقش دارند)، و ما نقش ملائکه در نزول باران را می پذیریم نقش اهل بیت (علیهم السلام) که انسان کامل هستند و برتر از ملائکه هستند را نیز در نزول باران می پذیریم. عده ای دیگر نیز می گویند اهل بیت (علیهم السلام) غایت این عالم هستند و مقصد این عالم هستند و این عالم برای اهل بیت (علیهم السلام) ساخته شده است.

به این جهت نمی توان شیخ احمد را منحرف و غالی و کافر دانست بلکه ایشان عالمی دانشمند بوده است که نظریات ویژه ای در مورد اهل بیت داشته است و در آن زمان بقیه به این نظر قائل نبودند همچنین نظر وی در مورد عالم حور قلیا و اینکه امام زمان (عج) در آن عالم است و بدنی حور قلیایی دارد را نمی توان پذیرفت.

یکی از اشکالات جدی وارد به شیخ احمد این است که ایشان در روش معرفت دینی دچار اشتباهی جدی شده است مثلاً بعضی اوقات گفته است من این مطلب را در رؤیا مستقیم از امام معصوم شنیده ام براساس آن مطلبی که از در خواب شنیده است معرفت دینی درست می نماید در صورتی که این از اعتبار علمی برخوردار نیست. یا مثلاً بر اساس طب می گوید: این بدن نمی تواند ۱۰۰۰ سال

دوام بیاورد پس باید عالم حور قلیایی باشد اما با طب نمی توان معرف دینی به دست آورد، این اشکالات علمی بر شیخ احمد احسایی وارد است اما وی فرقه سازی نکرده است.

امتداد فرقه شیخیه

حتی شاگرد ایشان سید کاظم رشتی که بعد از وی جانشین شد نیز عنوان شیخیه را راه اندازی نکرد بلکه تفکر استاد را مطرح می نمود و درس می داد البته سید کاظم رشتی بر خلاف شیخ احمد از سواد زیادی برخوردار نبود و هنگامی که در سال ۱۲۵۰ یا ۱۲۶۰ قمری از دنیا رفت برای خود جانشینی تعیین نکرد، چند نفری از شاگردان سید کاظم دو چهل روز در مسجد چله نشستند تا جانشین سید کاظم را کشف کنند و چند نفر ادعای جانشینی کردند - ۱ حاج کریم خان کرمانی که در کرمان فعالیت می کرد - ۲ میرزا شفیع تبریزی در تبریز - ۳ میرزا حکاک اصفهانی در اصفهان - ۴ میرزا علی محمد شیرازی که در کربلا بود و به تهران نقل مکان کرد، به نظر می آید که سید کاظم رشتی به دلیل اینکه احتمال تشکیل فرقه می داد عمداً برای خود جانشین تعیین نکرد و از این ناحیه احساس خطر می کرد. بعد از ادعای این چهار نفر فرقه شیخیه شکل گرفت حاج کریم خان کرمانی فرقه شیخیه کرمان و میرزا شفیع تبریزی شیخیه آذربایجان و میرزا طاهر حکاک اصفهانی نیز فرقه شیخیه اصفهان را پایه گذاری کردند که فرقه شیخیه اصفهان منقرض شد و میرزا علی محمد شیرازی نیز ابتدا فرقه شیخیه و به تدریج فرقه بابیت را راه اندازی کرد. بنابراین فرقه شیخیه با سه انشعاب تشکیل شد ۱- شیخیه کرمان ۲- شیخیه آذربایجان ۳- فرقه بابیت

انشعابات فرقه شیخیه

فرقه شیخیه آذربایجان: هیچ تفاوتی با شیعه ندارد و معتقد به فقه و اصول و کلام هستند و مرجعیت را قبول دارند تنها اشکال آنها این است که خود را شیخیه می نامند.

فرقه شیخیه کرمان: شیخیه کرمان اصلی را به نام رکن رابع اضافه کرده اند: رکن اول توحید، رکن دوم نبوت، رکن سوم امامت، رکن چهارم بابیت، معاد را جزء ارکان انتخاب نکردند به این دلیل که معتقد بودند کسی که مبدأ را بپذیرد معاد را نیز خواهد پذیرفت اما منکر معاد نبودند و عدل را نیز جزء صفات الهی و توحید می دانستند یعنی در واقع دو اصل از اصول دین را نیاوردند اما به آن اعتقاد داشتند و اصل چهارمی به نام اصل بابیت به آن اضافه کردند؛ بابیت یعنی بزرگ شیخیه واسطه بین مردم و امام زمان (عج) است، یعنی همانطور که امام زمان (عج) در زمان غیبت صغری نُوّاب خاص داشتند آنها معتقد بودند که نائِب خاص امام زمان (عج) هستند اما طبق اعتقادات شیعه بعد از غیبت صغری و شروع غیبت کبری امام زمان (عج) نایب خاص ندارد و نُوّاب عام دارد که علما و فقهای جامع شرایط هستند اما شیخیه از شیخ احمد اینگونه برداشت کردند که وقتی چنین انسان کاملی وجود دارد حتماً باید انسان میانه ای نیز بین مردم و امام زمان (عج) وجود داشته باشد اما اگر شما تمام آثار شیخ احمد را مطالعه کنید چیزی به نام رکن رابع وجود ندارد، و شیخیه آذربایجان نیز این رکن رابع را نپذیرفته اند، رکن رابع فقط مورد پذیرش شیخیه کرمان است.

فرقه بابیت

در کنار این دو فرقه شیخیه، علی محمد باب قرار دارد که فرقه بابیت را راه اندازی کرد یعنی رکن رابع به فرقه بابیت تبدیل شد، وی در سن ۲۵ سالگی مدعی جانشینی سید کاظم رشتی بود بعد از آن ادعای بابیت نمود و بعد ادعای مهدویت و پس از آن مدعی نبوت شد و سپس ادعای الوهیت را مطرح کرد و کتابهایی نیز در این زمینه نوشت که از جمله آنها کتاب بیان به زبان های عربی و فارسی است و شما اگر کتاب البیان عربی را ملاحظه کنید دارای اشتباهات و غلط های بسیاری می باشد که بیانگر بی سوادگی علی محمد باب است، مثلاً دستور می دهد که در اذان این جمله را اضافه کنند "أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا قَبْلَ نَبِيِّ اللَّهِ" و منظور از نبیل نیز خود علی محمد باب می باشد یا مثلاً می گوید: من کسی هستم که ۱۰۰۰ سال منتظرش بوده اید، در کتاب بیان آمده است: "در هر زمان خداوند (جل و عز) کتاب و حجتی برای خلق مقدر نموده است و می فرماید در سنه ۱۲۷۰ از بعثت رسول الله کتاب بیان و حجت را ذات حروف سبع قرار داد" یعنی بیان را به جای قرآن کتاب مقدس می دانند، مثلاً سوره یوسف را تفسیر کرده است و در تفسیر می گوید: "إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى إِلَيَّ" خدا به من وحی فرستاد، "إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي" اگر خدا را دوست دارید از من اطاعت کنید، "قَدْ بَعَثَنِي اللَّهُ بِمِثْلِ مَا قَدْ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنْ قَبْلِ هِمَانٍ" گونه که خداوند قبلاً محمد (صلی الله علیه و آله) را مبعوث کرد من را هم مبعوث کرده است، "أَوَّلُ مَنْ سَجَدَ لِي" اولین کسی که برای من سجده کرد، مُحَمَّد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ثُمَّ عَلِيٌّ ثُمَّ الَّذِينَ شَهِدُوا مِنْ بَعْدِهِ (محمد (صلی الله علیه و آله) بود سپس علی و بعد از آنها شهدا و کسانی که به امر پروردگارشان سبقت جستند بودند).

جشن نسخ اسلام

آنها در منطقه ای به نام بدشت در شاهرود، مراسمی به نام جشن نسخ اسلام برگزار کردند و به طور رسمی و علنی اعلام کردند: "شرع بیان استقلال دارد به جای شرع قرآن" و این جشن با هرزگی و بی عفتی برگزار شد و زنی به نام قره العین در این مجلس رسماً کشف حجاب کرد و بدین ترتیب رسماً به مقابله با اسلام پرداختند.

بابیت و ترور

یکی از مخالفان بابیت امیرکبیر بود و چندین بار دستور بازداشت علی محمد باب را صادر کرد اما علی محمد باب هر دفعه پس از بازداشت توبه می کرد و آزاد می شد ولی امیرکبیر مترصد فرصت بود، بعد از ترور نافر جام ناصرالدین شاه توسط فرقه بابیت و پیگیری های فراوان، امیرکبیر توانست حکم اعدام وی را اخذ نماید و علی محمد باب در سن ۳۱ سالگی اعدام گردید.

بابیت و ارتباطات خارجی

شاید اثبات تأسیس فرقه بابیت توسط روسیه و انگلستان به آسانی میسر نباشد اما قرائن و شواهد تاریخی بیانگر حمایت های بی دریغ انگلستان و روسیه از علی محمد باب می باشد، بعد از اعدام علی

محمد باب دو برادر به نام میرزا یحیی معروف به صبح ازل و حسینعلی بها به همراه قره العین که او هم از مریدان علی محمد باب محسوب می شدند به ترویج باییت پرداختند و میرزا یحیی صبح ازل جانشین علی محمد باب شد، و همه نیز از او تبعیت می کردند، پس از برخورد دولت وقت با میرزا یحیی صبح ازل وی به استانبول ترکیه تبعید شد.

فرقه شیخیه

مؤسس فرقه شیخیه را فردی به نام شیخ احمد احسائی دانسته اند البته سندی در دست نیست شیخ احمد فرقه ای تأسیس کرده باشد. وی شاگرد علمایی همچون شیخ جعفر کاشف الغطا و سید مهدی بحرالعلوم بود و از آنها اجازه روایی داشت و شاگردانی مثل مرحوم صاحب جواهر داشت و به او اجازه روایی داده بود، در فقه و اصول، طب قدیم و فلسفه و عرفان تبحر داشت و در این زمینه ها نظریات خاصی داشت برخی از نظریات وی که با نظر علمای عصر خود مطابقت نداشت باعث انزوای ایشان گردید و او را غالی یعنی غلو کننده دانستند.

وی معتقد بود اهل بیت (علیهم السلام) علل اربعه جهان می باشند و به اذن الله علت فاعلی یعنی ایجاد کننده جهان مادی هستند، امام زمان (عج) با بدنی حور قلیایی و در عالم حور قلیا به سر می برد و معراج پیامبر و معاد جسمانی نیز با چنین جسمی اتفاق افتاده است.

برخی نظریات ایشان را می توان در آراء و تفکرات علمای دیگر نیز مشاهده کرد از جمله اعتقاد وی به علل اربعه و علت فاعلی بودن اهل بیت (علیهم السلام) به اذن الله مورد پذیرش شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی می باشد اما برخی نظریات وی از جمله نظریه اش در مورد حضرت ولیعصر (عج) مورد پذیرش علمای اسلامی نیست.

امتداد فرقه شیخیه

بعد از وفات شیخ احمد یکی از شاگردانش به نام سید کاظم رشتی جانشین او گردید و افکار و آراء استاد را ترویج می نمود البته سید کاظم مانند استاد نبود و از سواد زیادی برخوردار نبود و حتی او نیز به تأسیس فرقه پرداخت بلکه به دلیل احساس خطر تأسیس فرقه کسی را برای جانشینی معرفی نکرد.

بعد از سید کاظم رشتی چهار نفر از شاگردان وی به نامهای ۱- میرزا کریم خان کرمانی ۲- میرزا طاهر حکاک اصفهانی ۳- میرزا شفیع تبریزی و میرزا محمد علی شیرازی به احداث چهار فرقه پرداختند و رسماً فرقه شیخیه تأسیس شد. از این چهار فرقه، شیخیه اصفهان منقرض شد، و سه فرقه باقی ماند

۱- فرقه شیخیه آذربایجان به رهبری میرزا شفیع تبریزی که مانند شیعه است و معتقد به فقه و اصول و کلام می باشد و مرجعیت را قبول دارد

۲- فرقه شیخیه کرمان به رهبری میرزا کریم کرمانی این فرقه ادو اصل را از اصوا دین حذف کردند و رکنی به نام رکن چهارم به آن افزودند البته به دو اصل محذوف از اصول دین معتقد هستند اما آنه دو را اصل نمی دانند و به این ترتیب اصول را به این شکل بیان کردند: رکن اول توحید، رکن دوم نبوت، رکن سوم امامت، رکن چهارم بابیت است. آنها معتقدند که بزرگ و رهبر شیخیه باب و واسطه بین مردم عادی و امام معصوم است.

۳- فرقه بابیت به رهبری علی محمد باب، رکن چهارم از فرقه شیخیه کرمان منجر به تأسیس فرقه بابیت توسط علی محمد باب گردید وی ابتدا مدعی بابیت بود بعد ها مدعی امام و سپس مدعی نبوت شد و در نهایت ادعای الوهیت کرد و کتابی به نام بیان به زبان های فارسی و عربی نوشت و مدعی شد که این کتاب ناسخ قرآن است، او برای مقابله علنی با اسلام مراسمی به نام جشن نسخ اسلام برگزار کرد که با بی عفتی و هرزگی همراه بود و در آن زنی به نام قره العین کشف حجاب نمود. بعد از ترور نافرجام ناصرالدین شاه توسط این فرقه به رغم حمایت های روسیه و انگلستان از آنها امیر کبیر توانست حکم اعدام علی محمد باب را در سن ۳۱ سالگی اخذ نماید و وی اعدام گردید. بعد از علی محمد باب میرزا یحیی صبح ازل جانشین وی شد و به همراه برادرش حسینعلی بها و قره العین به ترویج بابیت پرداختند و میرزا یحیی صبح ازل توسط حکومت وقت به استانبول ترکیه تبعید شد.

آزمون

۱ - از نظر شیخ احمد احسائی اهل بیت (علیهم السلام) علت پیدایش عالم طبیعت هستند یعنی چه؟

- الف) اهل بیت به عنوان واسطه فیض الهی هستند.
 ب) این عالم طبیعت را اهل بیت خلق کرده اند.
 ج) خداوند قدرت خود را به اهل بیت تفویض کرده است.
 د) خداوند این عالم را به خاطر اهلبیت خلق کرده است.

۲ - عالم حورقلیایی یعنی.....

- الف) همان عالم مادی که جسم در آن نورانی است.
 ب) عالمی که جسم در آن به صورت مثالی است.
 ج) عالمی که جسم دچار مریضی خواهد بود.
 د) عالم قیامت است که انسان در آن معاد جسمانی دارد و با بدن مادی محشور می شود

۳ - طبق مبنا و تفسیر مرحوم کمپانی "الْخَلْقُ صَنَائِعُنَا" یعنی چه ؟

- الف) صنع تشریحی
 ب) صنع تکوینی
 ج) اهل بیت به اذن خدا علت فاعلی عالم هستند
 د) اهل بیت علت غایی عالم هستند

۴ - رکن رابع چیست؟

- الف) نیابت خاص امام زمان (عج) در زمان غیبت صغری است.
 ب) یعنی بزرگ شیخیه واسطه بین مردم و امام زمان (عج) است.
 ج) نیابت عام امام زمان (عج) در زمان غیبت کبری است.
 د) امام زمان (عج) در زمان غیبت کبری نایب خاص ندارد.

۵ - جمله "شرع بیان استقلال دارد به جای شرع قرآن" اشاره به کدام واقعه دارد؟

الف) ترور ناصرالدین شاه

ب) اعدام علی محمد باب

ج) کشف حجاب

د) جشن نسخ اسلام

۶ - فرقه بابیت در واقع.....

الف) امتداد شیخیه است و توسط شیخ احمد احسائی پایه گذاری شده است.

ب) امتداد شیخیه کرمان است و توسط میرزا کریم خان کرمانی پایه گذاری شده است.

ج) همان رکن رابع است که توسط علی محمد باب به فرقه تبدیل شده است.

د) امتداد شیخیه اصفهان است که بعد از انقراض، توسط علی محمد باب احیا شده است.